

موازنه سیاست خارجی در راستای منافع ملی

امن تر و با هزینه کمتر بوده و عبور لوله‌های نفتی از ایران می‌توانست متضمن منافع مربوط به اجرای پروژه برای ایران و همچنین حق دریافت ترانزیت همیشگی برای کشور ما و عامل مهم در ایجاد امنیت و یکپارچگی خاک ایران باشد. روسیه و سه کشور دیگر شریک با او منافع ملی ما در دریای مازندران را پایمال کرده و می‌کنند در حالیکه ما از حمایت سایر قدرتهای جهانی محرومیم. ادعای واهی شیخ نشین‌های تشکیل دهنده امارات نسبت به سه جزیره ایرانی خلیج فارس و توطئه برای جعل نامی دیگر برای خلیج فارس ناشی از تحریکاتی است که سیاست خارجی ناموفق جمهوری اسلامی فراهم نموده است.

باج دهی‌های ما به چین و روسیه برای جلب حمایت آنان در مسئله هسته‌ای تاکنون نتیجه قابل توجهی نداشته است و در هر برهه حساس و هنگام تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی آنان پشت جمهوری اسلامی را خالی کرده‌اند. دخالت‌های جمهوری اسلامی در درگیری‌های منطقه چه در عراق و چه در لبنان و فلسطین. بعنوان طرفداری جمهوری اسلامی از برخی قدرت‌های متنازع و بر علیه برخی قدرت‌های دیگر فرا منطقه‌ای تلفی می‌شود که این کشاندن بی‌جهت ایران در مناقشاتی است که ارتباطی با منافع ملی ما ندارد.

در چنین اوضاع و احوالی دولت جدید آمریکا که با شعار تغییر بر سر کار آمده موضعی آشتی‌جویانه در پیش گرفته و دست به سوی دولت جمهوری اسلامی دراز کرده است و موقعیت حساس و تازه‌ای پیدا شده که گردانندگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌توانند با بهره‌گیری از فرصت، دیپلماسی خارجی خود را تصحیح نموده و در مسیر بیطرفی و عدم وابستگی بپردازند و به تعامل یکسان و همانند با قدرتهای جهانی رقیب بپردازند که این تنها جهتی است که می‌تواند منافع ملی ایران را تأمین و حفظ نماید.

منافع ملی ایران ایجاب می‌کند و ایجاب می‌کند که در این کشمکش بین قدرتها و جنگ پنهانی بین آنها ایران سیاست بیطرفی و برخورد یکسان و در پیروی از اندیشه‌های بزرگ مرد تاریخ ایران دکتر مصدق سیاست موازنه در راستای منافع ملی اتخاذ نماید در این صورت بهره‌گیری از فرصت‌ها و حسن استفاده به جا و به موقع از تضاد بین قدرتها می‌توانست و می‌تواند منافع ملی ایران را به بهترین شکل حفظ و تأمین نماید و ایران را در جایگاه یک ابر قدرت منطقه‌ای که سزاوار آن است بنشانند. برخورد و درگیری با هریک از این قدرتها خود به خود سبب گرایش و غلبیدن به سمت دیگران و بالعکس اتحاد و تفاهم صرف با هریک سبب ایجاد تنش و درگیری با سایرین خواهد شد. عدم رعایت سیاست مستقل و ملی از اوایل انقلاب ۵۷ صدمات بسیاری بر منافع ملی ایران وارد نمود. اشغال سفارت آمریکا و داستان گروگان‌گیری کارمندان این سفارت خانه و اتخاذ مواضع ضد امریکایی، زنجیره‌ای از رویدادها را به دنبال داشت که همگی در جهت خلاف منافع ملی ایران بوده است در اولین مرحله میلیاردها دلار از اموال و دارایی‌های ایران توقیف و بلوکه شد که مبالغ بزرگی از آن به موجب قرارداد الجزایر و از طریق دادگاه بین‌المللی لاهه به شاکیان حقیقی و حقوقی که اموال خود را در جمهوری اسلامی از دست داده بودند بعنوان غرامت پرداخت گردید. بلا تردید این خصومت و تنش با آمریکا در شروع شدن جنگ عراق با ایران و تداوم ۸ ساله آن و خسارات مالی و جانی ناشی از این جنگ خانمانسوز بی‌تأثیر نبوده است. تحریم‌های اقتصادی چه در زمان جنگ و چه بعد از آن در ایجاد تنگناهای اقتصادی و گرانی و تورم و اختلافات معیشتی ملت ایران مسلماً اثرگذار بوده است. مخالفت آمریکا به طور قطع از عوامل اصلی تغییر مسیر لوله‌های حامل انرژی آسیای مرکزی از خاک ایران به مسیرهای دیگر بوده است در حالیکه مسیر ایران از هر لحاظ منطقی تر و

منطقه خاورمیانه با داشتن منابع عظیم انرژی و تحصیل دلارهای نفتی فراوان و قدرت خرید بالا و وضعیت استراتژیک استثنایی موقعیت ویژه و منحصر به فردی را در جهان داراست و مورد توجه خاص قدرتهای صنعتی و اقتصادی جهان قرار دارد و کیست که نداند تضاد منافع و رقابت‌های اقتصادی و سیاسی قدرتهای بزرگ جهانی در این منطقه منشاء اصلی درگیریها، تنش‌ها و جنگ‌های این ناحیه از جهان بوده و هست. آمریکا و متحد قطعی و بلا تردید آن اسراییل طرح‌های خاص خود را برای خاورمیانه دارند و گاهی هم از اشاره به برنامه‌های خود خودداری نمی‌کنند و بدیهیست که این طرح‌ها با منافع سایر قدرتها ناسازگاری داشته و خواب دیگران را آشفته نماید. قدرتهای استعماری قدیمی تر و ذینفوذتر در منطقه مانند انگلیس و فرانسه می‌خواهند که منافع قدیمی و قبلی خود را پاس بدارند و هنوز هم تقسیماتی را که پس از جنگ جهانی اول برای منطقه بین خود انجام دادند حفظ نمایند و دیگر اروپاییان مانند آلمان و دیگران هم سهم خود را می‌خواهند روسیه که وارث اتحاد جماهیر شوروی یکی از دو ابر قدرت بزرگ سابق جهان است به دنبال صیانت از نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی خود در منطقه بوده و به هیچ وجه مایل به خالی گذاشتن صحنه برای حریفان نیست. غول‌های اقتصادی و قدرتهایی مانند چین و ژاپن نیز چه از لحاظ کسب انرژی و چه از لحاظ به دست آوردن بازار نسبت به منطقه بی‌نظر و بی‌تفاوت نیستند در چنین اوضاع و احوال پیچیده‌ای که همه قدرتهای بزرگ سیاسی و اقتصادی جهان در منطقه خاورمیانه در آن درگیرند حفظ منافع ملی ایران به عنوان یکی از کهن‌ترین و کلیدی‌ترین کشورهای منطقه درایت و میهن دوستی و هوشیاری و کاردانی ویژه‌ای را می‌طلبد که متأسفانه چنین ویژگی‌هایی در دولت مردان جمهوری اسلامی و گردانندگان سیاست خارجی آن کمتر دیده می‌شود. حفظ

آیا حضور در انتخابات به سود منافع و مصالح ملی است؟

از شرایط جهان شمول یک انتخابات آزاد، آزادی قلم و بیان و رسانه‌ها و همچنین وجود احزابی برخاسته از میان مردم است که آزادانه فعالیت کنند.

هنگامیکه از انتخابات در ایران سخن گفته می‌شود می‌بینیم ابتدایی ترین شرایط در جامعه ما حاکم نیست و دیگر آنکه وسایل و لوازم قانونی آنهم با برگزاری یک انتخابات مردمی هماهنگی ندارد. امروز بحث از انتخابات رییس قوه مجریه به نام رییس جمهور است که برابر قانون اساسی جمهوری اسلامی از اختیارات محدودی برخوردار است و شخص اول مملکت نیست و تصمیمات او نه قطعی است و نه لازم الاجرا.

از سوی دیگر با وضع مقررات نظارت استصوابی که همه کاندیداها باید از آن عبور کنند امکان حضور داوطلبان مستقل وجود ندارد. در انتخابات فعلی که کمتر از دو ماه به آن مانده است مثل همیشه دگراندیشان اجازه فعالیت نیافته اند. به نظر می‌رسد این انتخابات نیز چون انتخابات در سه دهه گذشته باشد و با نگاهی به صحنه انتخابات حضور دو جناح حاکمیت یکی اصولگرایان و دیگری اصلاح طلبان مشخص است یکی از اولین کاندیداهای ریاست جمهوری آقای خاتمی بود که به صحنه نیامد و تحت تاثیر فشارها و جریانات مهم از صحنه خارج شد و جای خود را به آقای میر حسین موسوی نخست وزیر دهه ۶۰ داد. یادآوری دهه شصت و زندانها و اعدامهای آن نشانگر دوران بس تاریک از زندگی مردم ماست. از کاندیداهای دیگر آقای کروی است که در دوران ریاست مجلس خود سابقه اطاعت محض دارد و در مقابل این دو کاندیدا رییس جمهور فعلی که می‌گویند قطعاً کاندیداتوری خود را اعلام می‌کنند ولی چون از همه امکانات دولتی و غیر دولتی به میزان بالایی بهره می‌برد و استفاده خواهد کرد اکنون با چراغ خاموش در حرکت است. دوره چهار ساله ریاست جمهوری ایشان را هم شاهد بوده ایم. دورانی که در آن کشور ایران به انزوای کامل سیاسی در صحنه بین المللی درآمد دورانی که تورم و نداشتن برنامه ملی صحیح اقتصادی مردم ایران را فقیرتر از گذشته کرد و بسیاری از قشرهای جامعه به زیر خط فقر سقوط کردند. در چهار سال اخیر سرکوب حرکتهای صنفی و سندیکایی، کارگران و معلمین افزایش روزافزون داشته است. زنانی که برای تساوی حقوق خود با مردان با نوشتن نامه معترضند به خاطر یک امضا بازداشت و حتی در مهمانی‌های کمتر از ده نفر هم تامین ندارند و برخورد با دانشجویان، زندانی کردن و اخراج آنان داستان روزمره شده است.

کاندیداها اصلاح طلب تقرب نشدن در انتخابات را باور ندارند و بعضی خواستار اصلاحاتی در قانون نظارت استصوابی هستند و اشاره‌ای هم به ناکارآمدی قانون اساسی دارند. پیشنهاد کمیته‌ای برای نظارت داشتند که شورای نگهبان نپذیرفت. نقض حقوق بشر در ایران با بازداشت‌های روزنامه نگاران، معلمان، دانشجویان و زنان از مشخصات اصول گرایان است و با توجه به سالهای قدرت داشتن اصلاح طلبان و اصول گرایان ملت ما می‌داند که اینان دو روی یک سکه اند و برای مصلحت حاکمیت است که گروهی و یا جناحی جای خود را به دیگری می‌دهد اصلاح طلبان زمینه ساز قدرت اصول گرایان و بالعکس است حال این یا مردم ایران است که با آنچه به نام انتخابات جریان دارد به آینده ایران بیاندیشند که آیا با شرایط حاکم بر ایران و قوانین موجود آیا می‌توان با شرکت در انتخابات در سرنوشت خود تأثیر داشت یا خیر؟ آیا حضور مردم در صحنه انتخابات به سود منافع ملی و مصالح ملی است و یا با آنچه موجود است تنها گرم کردن بازار است تا جناحی از حاکمیت از آن بهره‌ای داشته باشد؟ در آینده باز هم در این مورد با شما گفتگو خواهیم کرد.

۱۲ فروردین سالروز درگذشت الهیار صالح یادی از آزاده مردی نیکنام و صالح

در هر جامعه‌ای با تناسب فرهنگ و معتقدات زمان، مردان و زنانی به سبب داشتن صفات برجسته معروف می‌شوند که پس از ترک صحنه زندگی جایشان برآستی خالی می‌ماند، شادروان الهیار صالح (۱۳۶۰/۱/۱۲ - ۱۳۷۶) یکی از جمله آن افراد بود که بیش از شصت سال در سمت‌های گوناگون با نیکنامی تمام در شرایطی نه همیشه مساعد به جامعه خود خدمت و در قالب تفکرات ملی گرایی و وطن دوستی معروفیت استثنایی پیدا کرد. شادروان صالح در حالیکه دیپلم خود را از مدرسه امریکاییها با مدیریت مرحوم جردن و با درجه ممتاز اخذ کرده و شدیداً علاقمند به ادامه تحصیل و کسب درجات عالی دانشگاهی بود به سبب نیاز مالی در سفارت امریکا استخدام شد و از آغاز کار با حفظ کامل شخصیت ایرانی و شرافت ملی به مدت ده سال در آن سفارت کار کرد و در موارد بسیاری از منافع وطن خود دفاع نمود (البته در آن تاریخ سیاست آمریکا در ارتباط با ایران مانند ابرقدرتهای استعمارگر نبود). مرحوم صالح به علت همان علاقه و احترام به احساسات ملی خود پس از ده سال کار در سفارت آمریکا و داشتن مزایا و موقعیت خوب، آنگاه که مرحوم علی اکبر داور مشغول سازندگی و اصلاحات اساسی در دادگستری (عدلیه قدیم) بود و به علت آشنایی با خصوصیات او از ایشان برای همکاری دعوت به عمل آورده بود از خدمت در سفارت به اصرار خود استعفا داده و با حقوق خیلی پایین تر ولی رضایت خاطر همکاری با داور را پذیرفت بعد از خدمت در دادگستری جدید مرحوم صالح تا ایام بازنشستگی در پستهای معاونت وزیر، وزارت، سفارت و نمایندگی مجلس شورای ملی با نیکنامی و محبوبیت ویژه خدمت نمود.

این شخصیت ملی و ممتاز، پس از تاسیس حزب ایران در سالهای بعد از ۱۳۲۰ به وسیله تعدادی از جوانان پرشور و تحصیلکرده، چون آرمان خود را با برنامه و هدفهای آن جوانان یکی دید به حزب ایران پیوست و در واقع از مؤسسين آن حزب به حساب آمد. زنده یاد صالح در تشکیلات حزب و چندی بعد در سازمان جبهه ملی غالباً بالاترین سمت‌ها را داشت و به علت شیخوخت مورد احترام همگان بود.

الهیار صالح رییس کنگره جبهه ملی ایران در سال ۱۳۴۱ و همچنین رییس هیئت اجراییه جبهه ملی بود مرحوم صالح خاطرات روزانه خود را از بدو ورود به سفارت آمریکا تا رفتن به وزارت دادگستری با دقت تام نوشته و مسایل و وقایع مهم را در آن یادداشت‌های خود آورده بود اما از آنجا که در آن دوران نیز مانند امروز جو سیاسی، مختنق و اعتمادی به «بقای بعد از بیان» نبود روزی منزل را خالی از اغیار نموده و دفاتر تنظیم گشته طی ده سال را در وضع روحی و نگرانی خاصی آتش زد و بر خاکستر یادداشت‌ها خیره ماند. خیره به واقعه‌ای که فقط تیغ خونریز استبداد و عدم امنیت عامل اصلی آن است...

موضوع آزادمندی و اعتراف و اقرار به اشتباهی که احتمالاً صورت گرفته از صفات بارز آن انسان نجیب به شمار می‌رود زیرا قبول مسئولیت و اقرار به اشتباه شهادت خاصی لازم دارد که نزد مشایخ شهر این نشان را کمتر سراغ داریم. روانش شاد و یادش گرامی باد.

درگذشت زنده نام نصرت الله امینی

جبهه ملی ایران درگذشت زنده یاد نصرت الله امینی، یکی از چهره‌های برجسته نهضت ملی ایران و از یاران نزدیک و مورد اعتماد مصدق بزرگ را به ملت ایران و خانواده گرانقدر ایشان تسلیت می‌گوید.

زنده یاد نصرت الله امینی در دولت مصدق، نخست به سمت بازرسی نخست وزیری و سپس به عنوان شهردار تهران برگزیده شد و هنوز به علت خدمات ارزنده و ماندگارش بهترین شهردار تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. وی همچنین وکیل خصوصی دکتر مصدق و یکی از وصی‌های او بود. نصرت الله امینی عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران بود و در کنگره ۱۳۴۱ جبهه ملی ایران نیز به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی انتخاب شد. پس از انقلاب ۵۷ در دولت موقت استانداری فارس شد و در همان زمان بود که در برابر خلخالی که قصد داشت با بولدورز تحت جمشید را ویران کند، ایستاد و به نیروهای نظامی فارس آماده باش داد تا از این اقدام ضد بشری جلوگیری کند. یادش گرامی و روانش شاد باد.

تهران ۱۳۸۸/۲/۱ - شورای مرکزی جبهه ملی ایران

ادیب برومند، دکتر لقا اردلان، بانو فرشید افشار، مهندس عباس امیر انتظام، دکتر داود هرمیداس باوند، مهندس مرتضی بدیعی، دکتر جهان‌شاه برومند، عیسی خان حاتمی، مهندس اسماعیل حاج قاسمعلی، دکتر پرویز دبیری، جمال درودی، غلامرضا رحیم، دکتر علی رشیدی، حسین راضی، مهندس کورش زعبی، دکتر خسرو سعیدی، حسین شاه حسینی، حسن شهیدی، مهندس حسین عزت زاده، اصغر فتی پور، سرلشکر بازنشسته ناصر فرید، دکتر محسن فرشاد، حسن قدیانی، دکتر باقر قدیری اصلی، پرچمپهر مشیری، هرمز ممیزی، منوچهر ملک قاسمی، دکتر سید حسین موسویان، دکتر مهدی موید زاده، دکتر علی اکبر نقی پور، ابوالفضل نیماوری

مرگ دلخراش زندانیان سیاسی

تجربه نمود که همین فضای غیر آزاد زمینه شکل گرفتن نهضت ملی ایران و تشکیل دولت ملی دکتر مصدق را فراهم ساخت دولتی که نمونه‌ای کم نظیر از دموکراسی و رعایت حقوق بشر را در طول تاریخ ایران برای ملت ما به ارمغان آورد و در عین حال الگویی از استقلال طلبی و قطع نفوذ اجانب را به مردم منطقه و جهانیان نشان داد. دولتی که مخالفان اندک و اکثرا مزدور خود را تا حدی بسیار تحسین برانگیز تحمل می‌کرد و بنابراین در دوران حکومت او هیچکس به جرم بیان عقیده و انتشار افکار سیاسی و اجتماعی خود زندانی نگردید. کودتای نفرت انگیز ۲۸ مرداد ۳۲ به دموکراسی کوتاه مدت ایران پایان داد و باز هم زندانها از صاحبان اندیشه و مخالفان رژیم کودتا انباشته گردید و به تدریج زندانهای تازه برای به بند کشیدن تعداد زیادتری از اسیران وجدان بنا نهاده شد در جریان انقلاب ۵۷ در بهای زندانها گشوده شد و زندانیان سیاسی و حتی در برخی از موارد سایر زندانیان از بند آزاد شدند ولی با تأسف بسیار دیری نپایید که رژیم برخاسته از انقلاب نیز به اقتدار گرایی و عدم تحمل مخالفان و دگراندیشان آنهم به گونه‌ای بسیار خشن تر و گسترده تر پرداخت و علاوه بر کشتارهای دسته جمعی دهه اول انقلاب و قتل‌های زنجیره‌ای زندانها را نیز از زندانیان سیاسی انباشته کرد و هزاران نفر را در سراسر کشور روانه زندانها نمود که این روند تاکنون نیز به محور و به تازیدی ادامه دارد. بسیار اسفبارتر و تأثیر انگیز تر مرگ این اسیران وجدان در زندانهاست که در دوران اخیر تعداد این مرگ‌ها به گونه‌ای شگفت انگیز قوس صعودی را می‌پیماید مرگ آقای اکبر محمدی، خانم زهرا کاظمی، خانم دکتر زهرا بنی یعقوب، آقای حشمت ساران و آقای امیررضا میر صیافی نمونه‌هایی از درگذشت اسیران وجدان در زندانهاست. جبهه ملی ایران نسبت به مرگ این هموطنان در زندانهای حاکمیت جمهوری اسلامی به مسغولین نظام هشدار می‌دهد و خواهان متوقف شدن این رویدادهای دلخراش در زندانهاست.

به جامعه خود صدای اعتراضی بلند نمایند اگر دچار مصیبت‌های بزرگتری نشوند حداقل به بند کشیده می‌شوند و پشت میله‌های زندان قرار می‌گیرند و بدینگونه پدیده زندانی سیاسی و زندان سیاسی در جوامع بسته و غیر دموکراتیک شکل می‌گیرد. غالبا این زندانیان سیاسی افراد مسئول و با وجدان و تحصیل کرده و آگاهند که توان فراهم کردن زندگی بهتر برای خود و خانواده هایشان را دارند و بنابراین نهب وجدان و ندای شرافت انسانی و غم و مضایق دیگران آنها را به بند انداخته است و به این جهت آنان را تحت عنوان اسیران وجدان می‌شناسند نگاهی گذرا به تاریخ گذشته ایران پدیده زندانیان سیاسی یا اسیران وجدان را در میهن ما در دوران‌های مختلف نشان می‌دهد. قبل از انقلاب مشروطیت که هموطنان ما با استبداد مطلق و دیکتاتوری عربان و بی پرده سر و کار داشتند در دوران استبداد مطلق نه تنها امکان ابراز عقیده و اظهار نظری از طرف مردم وجود نداشت که جان و مال و ناموس مردم زیر سلطه و تحت اختیار حکومت استبدادی و حکام و والیان منصوب شده آنان بود. به همین دلیل درخواست عدالتخانه در کنار خواستن آزادی و حکومت منبعث از ملت از اولین شعارهای انقلاب مشروطیت بود. انقلاب نوپای مشروطیت هنوز تثبیت نشده بود که استبداد صغیر آن را در هم نوردید ملت با جان فشانی‌ها و فداکاریهای بسیار مشروطیت را اعاده کرد ولی هنوز ملت ایران نسیم آزادی را روی گونه‌های خود به خوبی احساس نکرده بود که با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ روبرو گردید و بساط دیکتاتوری ۲۰ ساله رضاخانی با داغ و درفش و سیاه چال و کشتار مخالفین با آمپول هوا و خفه کردن در زندانها تا دهان دوختن‌ها و ترورها پهن گردید. با تهاجم نیروهای متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ دیکتاتوری رضاخان سقوط کرد و قدرت‌های بیگانه اینطور صلاح خود را دیدند که پسرش محمدرضا را بر تخت سلطنت بنشانند در دوران پس از جنگ دوم و قبل از آنکه محمدرضا شاه جای پای خود را محکم نماید چند صباحی ملت ایران تنفس در فضای نیمه آزاد سیاسی را

صرف نظر از بسیاری از افراد بی تفاوت که تنها به زندگی شخصی خود می‌اندیشند برخی از انسانها برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند فکر و اندیشه و نظرات و پیشنهادات مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند و تلاش می‌کنند تا محله و شهر و در سطح کلان تر کشورشان در مسیرها و روشهایی که آنها را بیشتر می‌پسندند و بهتر می‌دانند قرار بگیرد. در جوامع تکامل یافته و پیشرفته که دموکراسی در آنها نهادینه شده افراد هم فکر و هم اندیش در جمعیت‌ها و احزاب متشکل شده و با استفاده از مطبوعات آزاد و تریبون‌ها و وسایل ارتباط جمعی که در اختیار دارند افکار و عقاید خود را برای سایر شهروندان تشریح نموده و نظر آنها را به عقاید خود جلب میکنند آنگاه در یک انتخابات آزاد و بدون مانع و رادع مردم به کاندیداهای احزاب و گروه‌هایی که برنامه‌های آنها را تأیید می‌کنند رای می‌دهند و نظر اکثریت مردم، اداره جامعه را در دست می‌گیرد. اقلیت همچنان به تبلیغ و ترویج خواسته‌های خود می‌پردازد و برای انتخابات بعد آماده می‌شود در این جوامع مردم سالار داشتن عقیده و بیان و تبلیغ آن برای همه افراد آزاد و بالامانع است و بنابراین هیچکس به لحاظ بیان عقیده و انتشار افکار خود نه تنها تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد و زندانی نمی‌شود که حتی مورد تذکر و اعتراض نیز واقع نمی‌شود و بنابراین پدیده‌ای به نام زندانی سیاسی معنی و مفهومی ندارد و مصداقی پیدا نمی‌کند. اما در جوامع غیر دموکراتیک که در آنها به جای دموکراسی اقتدارگرایی و دیکتاتوری نهادینه گشته قضیه متفاوت است آزادی عقیده محترم شمرده نمی‌شود و ابراز عقیده‌ای که با نظر حکومت مطابقت نداشته باشد ممنوع است و ارتکاب بدان جرم تلقی می‌گردد. مطبوعات آزاد برای تبیین نظریات مردم وجود ندارد. وسایل ارتباط جمعی عمومی در اختیار هیئت حاکمه و تک صدایی و یک چته است احزاب و اجتماعاتی که مخالف با رفتارها و روش‌های حاکمیت باشند ممنوع اند در این شرایط اختناق آمیز و سلطه حاکمیت‌های استبدادی است که اگر افراد متعهد و دلسوز نسبت

نقل از روزنامه دنیای اقتصاد ۸۸/۱/۲۶

مجادله ۸۰۰ میلیون تومانی وزیر نفت و نماینده مجلس

در طرح این سئوال از وزیر نفت خواست تا در ماهه التفات ۸۲۵ میلیون و ۹۸۴ هزار تومان قیمت دو معامله در یک روز پاسخ دهد. نوذری در پاسخ به این سئوال گفت: بنا بر نظر کارشناسان معامله انجام شده بر اساس قوانین و به صلاح شرکت بوده است. وی افزود: بر اساس نظر کارشناسی بازرسی که از ریاست جمهوری به تبریز اعزام شدند قیمت خرید زمین متناسب با قیمت واقعی بوده اما اگر قبل از این معامله مشکلی با کمیته امداد وجود داشته باشد آنها باید پاسخگو باشند. با توجه به قانع نشدن نماینده مرنندو جلفا از پاسخ وزیر نفت بررسی موضوع به رأی گیری گذاشته شد. نمایندگان با ۱۰۶ رأی موافق، ۸۱ رأی مخالف اعلام کردند که از توضیحات وزیر نفت قانع نشدند.

نمایندگان مجلس از توضیحات وزیر نفت که برای پاسخ به سوال نماینده مرنندو جلفا در مجلس حاضر شده بود قانع نشدند به گزارش خبرگزاری مهر، غلامحسین نوذری وزیر نفت دیروز برای پاسخ به سئوال سیروس سازدار نماینده مرنندو جلفا در جلسه علنی مجلس حضور یافت. سئوال این نماینده در خصوص خرید یک قطعه زمین به وسیله شرکت گاز استان آذربایجان شرقی توسط فردی به نام محمد حسین روشنی (برادر سرپرست معاونت بهره برداری شرکت گاز استان آذربایجان شرقی) از تعاونی مسکن کمیته امداد امام خمینی در تاریخ ۸۶/۱/۳۱ به مبلغ هفتصد و بیست و دو میلیون و سیصد و شصت هزار تومان خریداری شده است و در همان روز به شرکت گاز آذربایجان شرقی به مبلغ یک میلیارد و ۵۴۸ میلیون و ۷۲۰ هزار تومان فروخته است طرح شد. سازدار

مخالفت بیهوده رژیم با سنت‌های ملی

عزاداران غلام موصوف به ضد انقلابی گری را ببینند و بلافاصله در صدد وضع قانون و اجرای مقررات محدود کننده برآیند!

شاید جای انکاری نباشد که انقلابها - با هر وصفی و انگیزه‌ای که از موجبات آنها نقل بشود وسیله‌ای شناخته شده است برای رد و شکست دادن هیأت حاکمه ای که فساد و سوء مدیریت آن به حد نهایت رسیده و استقرار حکومتی مبتنی بر قانون، عدالت و امنیت، به طور خلاصه حاکمیت ملی ضروریست لذا پس از شکل گرفتن نظامی قانونمند و نشستن هر کس و هر چیز در جای خود، وظایف و اهداف انقلاب انجام و تامین شده فرض می‌گردد و اگر پس از سی سال ما همچنان می‌خواهیم بر اساس قواعد و رسوم نا نوشته خشم انقلاب حکومت و مشکلات مردم را حل و فصل نماییم در واقع اعتراف به آن می‌کنیم که انقلابیون در تامین آزادی و تاسیس دولتی بر موازین قانون موفق نبوده یا نمی‌خواهند با خصوصیات دموکراسی رفتار نمایند، چرا که اگر غیر از این بود و زمامداران کشور به جای دادن آزادی به مردم برای شرکت در انتخابات در معنای جهانی، آزادی جشن و شادمانی آنها را نیز کنترل و اجرای مراسم سنتی را محدود نمی‌کردند به راستی از شرکت مردم در مراسم آتش افروزی سالی یکبار و رفتن به مراسم عروسی دوست و فامیل و شنیدن موسیقی کدام منفعت و مصلحت حکومتی افراد صدمه می‌بیند؟ آیا با وجود اظهارات زعمای حکومت دایر بر اینکه جمهوری اسلامی از آزادترین کشورها بوده و سلب حقی از شهروندان نمی‌کنند، موضوع انتخابات مجلس و انتخابات ریاست جمهوری آیینی صاف و تمام نمایی نیست؟ و مردم عامی حق ندارند بگویند به جای انجام انتخاباتی لااقل هفتاد درصد قابل قبول چه نیازی به انتصاباتی پر خرج و به شدت تشریفاتی وجود دارد؟ آقایان زمامداران از ما بپزیرید که جامعه آگاه نه زیر بار قید و بندهای اهانت آور از قبیل دستورات منع سنت‌هایی مانند چهارشنبه سوری می‌روند و نه راه انداختن «انتخاباتی» رسوا به نام ملت ایران را قبول دارند. آری نتیجه چشم دوختن به کلام «توفیق در ایجاد ترس و واهمه می‌باشد» در همه حال مثبت نخواهد بود بلکه ایجاد بن بست‌ها و افزودن به نفرت‌ها سبب خواهد شد گفته‌های بزرگان را زمزمه کنند و بگویند که: نبینی که چون گربه عاجز شود بر آرد به چنگال چشم پلنگ؟

در خبرهای آخر سال گذشته آمده بود که «شرکت کنندگان در جشن چهارشنبه سوری و افروختن آتش بازداشت و حداقل تا پایان تعطیلات نوروزی در بازداشتگاه‌ها زندانی می‌شوند» متعاقب آن خبر دستگیری هفتصد نفر که به جرم ارتکاب خطاهای مذکور تحویل زندان گردیده اند منتشر شد. همزمان با این تهدید گفته شد که استفاده از فضای باغات کرج برای برگزاری مراسم عروسی و عزا نیز ممنوع و اعلام می‌گردد: آب حسرت در دل خواننده خبرها می‌جوشید و همچنان می‌جوشد که‌ای کاش زمام داران مملکت یک بار هم که شده با ملت از سر مهربانی و محبت سخن می‌گفتند و همه مکالمات و دستورات در کلمات ترساندن و بستن و شکستن خلاصه نمی‌شد، چرا همواره خیال می‌کنیم النصر بالرعب همیشه نشان از واقعیت دارد در حالی که مطالعات تاریخی نشان می‌دهد هنگامی که فساد و عدم عدالت و زورگویی در جامعه آتش‌های خشم را شعله ور ساخته و کار از تهدید و وعده زندان گذشته، حاکمان و مردم سینه در سینه هم قرار گرفتند و ترساندن هرگز کمبودها و نقص‌ها را مرتفع نساخته است و آگاهان به خوبی دریافته اند که ایجاد محدودیت‌ها و نوشتن مقررات خلق الساعه و سالب آزادی یک دلیل دارد و بس و آن عبارت از این است که هیئت حاکمه در تبدیل گریه مردم به خنده و پایکوبی آنان به جای عزاداری افراطی نوعی حرکت و رفتار مغایر خواسته‌های زمام داران را می‌بینند و می‌خوانند و این توهم آنها را رها نمی‌کند که مردم رنج دیده و از هستی ساقط شده در صدد کشیدن تحت قدرت از زیر پای آنانند، لذا وضعیت را طوری ملاحظه می‌کنند که گویی عده‌ای مسلح با هدف یا بی هدف از هر سو به جانب آنها شلیک می‌کنند و آنها ناچار هستند برای دفاع و مصون ماندن خود از خطر اقدام و فی‌المثل از دادن جواز انتشار روزنامه، باز کردن محلی برای تجمع و حزب و در نهایت از جمع شدن بخاطر عروسی یا عزاداری هم ممانعت بعمل آورند تا عدم صدور اجازه برای اظهار نظر و تشکیل کنفرانسها و سمینار در مورد امر بزرگی مانند انتخابات نیز موجه به نظر آید. متأسفانه در جریان وقوع انقلاب‌های اجتماعی که به طور سریع به پیروزی رسیده و افرادی کاملاً دور از انتظار خود و بدون اعتقاد به برنامه‌ای مدون به مقامات کلیدی دست یافته اند، این حالت مشاهده می‌گردد که در چهره خوشحال عروسی رفتگان یا قیافه غمگین

دبستان‌های ما را به مکتب خانه تبدیل نکنید!

ملت ایران که سالهایتمادی علیه استبداد و استعمار مبارزه می‌کرد سرانجام در حدود سی سال پیش خسته از بیداد حاکمیت به پا خاست و برای به دست آوردن آزادیهای سیاسی و انسانی رژیم گذشته را در هم کوبید و به مرحله‌ای نوین گام نهاد ولی از همان ابتدا مذهب سالاران که آزادیهای سیاسی و دموکراسی را باور نداشتند قدرت را به دست گرفتند و شروع به هموار کردن راه برای وصول به هدفهای خود نمودند. برای ایجاد این تغییر ابتدا به نام انقلاب فرهنگی برنامه‌های مدارس و دانشگاهها را برآمده از فرهنگ غرب دانستند و برای آنکه رنگ و شکل دیگر پیدا کند گفتند علوم باید در خدمت دین باشد و اگر چنین شد بماند و گرنه از برنامه‌های آموزشی حذف گردد، تعدادی از رشته‌های آموزشی از برنامه‌های دانشگاهی برداشته شد. حرکتی ارتجاعی با تغییر کتابهای درسی در همه زمینه‌های علمی تاریخی و فرهنگی آغاز شد. بسیاری از معلمان کارآموده در پاکسازی‌های سالهای اول انقلاب خانه نشین شدند و با مقرراتی که به نام «گزینش» شهرت یافت به انتخاب معلمان دست زدند که سوالات مطرح شده در این گزینش‌ها یادآور انگیزسیون قرون وسطی بود. دانشگاه‌ها مدتی تعطیل شدند تا برنامه هایش را صاحبان حوزة‌های علمیه تنظیم کنند. از وحدت حوزه و دانشگاه بسیار گفتند و کوشیدند این دو را در هم ادغام کنند که میسر نشد و معتقدان به آن به عدم موفقیت اذعان داشتند. انقلاب فرهنگی که با تصرف خونین دانشگاه‌ها آغاز شد نیز ناکام ماند. از سه سال قبل که اصول گرایان قوه اجراییه را به دست آوردند دگر بار فکر انقلاب فرهنگی دیگری طرح شد تا آن عدم موفقیت جبران شود. غافل از آنکه انسان حرکتی به سوی ترقی و زندگی بهتر دارد و توسعه عظیم ارتباطات و رسانه‌های گروهی بازگشت را مقدور نمی‌سازد. اما بازنشسته کردن دهها استاد به بهانه‌های مختلف و بگیر و ببندهای دانشجویان حتی اگر سخن فقط در زمینه مسایل صنفی بود و نقیضت بیش از پیش عقاید در محیطهای دانشگاهی افزایش یافت لیکن آنچه که پیداست نه آنست که خواستاران بازگشت به گذشته دارند. مدتیست خبری از سوی وزارت آموزش و پرورش نقل می‌کنند که این وزارت خانه (۴۵۰۰) مدرسه ابتدایی را به حوزه‌های علمیه واگذار می‌کند. خبر حیرت آور است وزارتخانه‌ای که باید با برنامه‌های کلان همه کودکان را با آموزشهای مورد نیاز امروز جهان پرورش دهد بخشی از کار خود را به حوزه‌ها و می‌گذارد. این خبر عدم توفیق مذهب سالاران را درسی سال گذشته اعلام می‌کند، صاحبان قدرت سه دهه است که در همه مدارس که برنامه هایش را روحانیون تنظیم کرده و بر آن نظارت و در آن دخالت تام دارند شاگردان را پرورش می‌دهند، مدرسه‌هایی که معلمان، مدیران و همه کادر آنها را گروهی به نام مربی تربیتی که پرورش یافته مستقیم برای هماهنگی در امور مذهبی و علمی است هنوز نتوانسته است در هدف خود موفق باشد. نسلهای رشد یافته در سالهای بعد از انقلاب مراکز تربیت معلم که معلمان را برای اهداف به ویژه دینی پرورش و آموزش داده امروزه با واگذاری مدرسه‌ها به حوزه ناکارآمدیشان اعلام می‌شود.

به جای آنکه علت این امر بررسی شود بازگشت بیشتر به گذشته‌ها مشکل حاکمان را حل نمی‌کند حوزه‌های علمیه از قدیم با پول مردم مدرسه‌های محدودی داشتند و تلاش می‌کردند در قالب قوانین آموزشی خود را هماهنگ کنند ولی امروز وزارت آموزش پرورش بخشی از مسئولیت خود را به حوزه‌ها واگذار کرده است. واگذاری دبستانها به حوزه‌ها تجدید حیات سیستم ارتجاعی و غیر علمی مکتب خانه‌ها را به خاطر می‌آورد: مکتب خانه‌ها اگر یکصد سال پیش اندک کارایی داشتند با تحولات علمی و فرهنگی امروز با پیشرفتهای جهان تطابق ندارند، برابر مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر همه کودکان باید از آموزش یکسان رایگان برخوردار شوند، هرگونه حرکت ارتجاعی مانعی است در راه پیشرفت کودکان و با موفقیت همراه نخواهد شد.



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejrni85@yahoo.com

دبستان‌های کودکان ما را به مکتب خانه‌های قرون وسطایی تبدیل نکنید.

۲۹ اردیبهشت سالروز تولد مصدق بزرگ را در احمد آباد گرامی خواهیم داشت.